

همہی حرفہا  
بانمی ششود نوشت

کیومرث باغستانی (کیا)

- سرشناسه: باغستانی، کیومرث ۱۳۳۷ -
- عنوان و نام پدید آور: همی حرضها را نمی‌شود نوشت/ کیومرث باغستانی (کیا).
- مشخصات نشر: پایل: انتشارات نوچ، ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری: ۱۳۵ ص. مصور نمونه.
- شابک: 978-600-92040-6-9
- وضعیت فهرست نویسی: فیدیا
- میدان: تهران - - تامه‌ما
- شناسی افزوده: کنگره سرداران، امیران و ده هزار شهید مازندران
- رده‌بندی کنگره: DSP ۱۶۳۵: ۸۵۲ ۱۳۹۰
- رده‌بندی تورین: ۹۵۰۱.۸۴۳
- شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۷۴۷۱۲۴۲

## همی حرف‌ها را نمی‌شود نوشت

کیومرث باغستانی (کیا)

صفحه آرا: ابوالفضل یزدانی

طرح و اجرای جلد: رضا جمشیدی شهسیری

نمونه خوان: زهرا یدالله پنبه‌زاری

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: مهر ۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹-۶-۹۲۰۴۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۲۳۲۵۰ ریال

نشانی: ساری - میدان امام - خیابان جام جم - سه ناحیه ساری

کنگره سرداران، امیران و ده هزار شهید مازندران

تلفن: ۰۱۵۱-۲۲۶۰۷۵۱

کمیته تدوین و انتشارات

ستاد کنگره سرداران، امیران و ده هزار شهید استان مازندران

مقدمه

گذری مختصر بر نامه سرگذشت و اقسام آن / ۷

نامه‌ها

من که نیامت ندارم همسر خوبی برایت باشم / ۲۲

سلام يك مادر خسته که چشمش را به در دوخته است / ۲۵

سلامی سراپا شرمگس و حجلت از محبت و صبر شما / ۲۷

الآن که این نامه را می‌نویسم . رگها خمیازه به روی ما می‌بارد / ۲۹

فرشته‌ی عزیزم! تو مهم‌ترین وسیله برای نزدیکی من به خدایم / ۳۱

... به همسر مهربانم که مهربان‌اش، تمام قلم را خرید / ۳۴

از خدا می‌خواهم که به تو عوض بدهد / ۳۶

هرچند جسماً دوریم . ولی روحاً در کنار هم هستیم / ۳۸

زهر جان! بارها از خواب بیدار شدم و جاییت را خالی دیدم / ۴۰

دوست دارم بدانی تا قیامت فراموشت نمی‌کنم / ۴۲

خالصانه و مخلصانه چاکرت هستم / ۴۴

همسر عزیز و مهربان و دوست داشتنی خودم / ۴۶

تو همواره معشوقه‌ای هستی که مایه آرامش برایم بودی / ۴۸

تا آن جا که توانستم از یتیمی ات گریستم / ۵۰

[به آنها بگو] که باباشون آن قدر آدم بد و بی رحمی نیست / ۵۲

به آقا فرهاد بگویید که سلام مرا به برادران زورخانه‌ای برساند / ۵۶

همین که دوفرزندانم را تربیت می‌کنی . خودش يك مبارزه است / ۵۷

به فرزندانم محسن و زهرا دروغ نگو که بابا رفته مسافرت است / ۵۹

به کودکانم سلام فراوان برسان و آنان را از طرف من ببوس / ۶۰

- سلامی از فرستگها راه دور، از کوه و دشت و صحرا / ۶۱  
 با تشویق ات در ثواب عملیات شریک هستی / ۶۲  
 همسرم! تو با خنده ها و گریه های ما همراهی / ۶۶  
 آیا می توانی به فکر اسلام عزیزتر از عزیزانت باشی؟ / ۶۹  
 خدمت تمام همسایگان سلام برسان / ۷۰  
 همسرم! هر وقت نامه می دهید تاریخش را هم بزنید / ۷۱  
 به خدا قسم، دلیم تنگ شده است و مشتاق دیدار شما هستم / ۷۲  
 این چهارمین نامه است که می نویسم / ۷۵  
 مثل این که قلم و کاغذ در مازندران کم آمده است / ۷۷  
 در مورد خارش مصطفی، پماد را هر شب بزن تا بخاراند / ۷۹  
 همسر کدام بچه، خبر ناراحتی من را به شما داد؟ / ۸۱  
 اگر شما زن و بچه ات را نمی خواهی، آن ها تو را می خواهند / ۸۲  
 اگر شوید شدم هیچ غم و ترسی به خودت راه نده / ۸۵  
 راستی چند شب پیش خواب تو را دیدم / ۸۶  
 اگر خوانستی همسر اختیار کنی، آزادی / ۸۸  
 عکس را از قدر بوسه بدم که نزدیک بود خراب شود / ۹۱  
 [شنیدم] «تابش» حالا خوب دوچرخه سواری می کنده با کله تو خوب نمی رود / ۹۴  
 این مردانگی نیست که يك نامه برای من ندهند / ۹۶  
 خانه سرایین که دارم تعلق به تو و فرزندانم دارد / ۹۸  
 تعداد نامه های من زیانزده است / ۱۰۰

### نامه به کودکان

#### اشاره

- فرزندان عزیزم، کودکان و نوجوانان ایران زمین! / ۱۰۵  
 بابا می آید و چشم قشنگ تو را خوب می کند / ۱۰۷  
 مرتضی جان! [با] بابا که قهر نیستی / ۱۰۸  
 خوب هستی بابا! / ۱۰۹  
 معصومه خانم! برای بابا يك قصه بگو! / ۱۱۰  
 مرتضی جان! / ۱۱۱  
 نور چشم عزیزم، مصطفی! او جگر گوشه ی عصبانی ام، مرتضی! / ۱۱۲  
 چهره ی ماه هر سه شما را می بوسم / ۱۱۴  
 می دانم نتوانستم حق پدری را نسبت به شما ادا نمایم / ۱۱۵  
 اذیت کردن مادر، اذیت کردن روح من است / ۱۱۶  
 حرف مامان را گوش می کنی؟ شیطان نمی کنی؟ / ۱۱۷  
 انشاء الله که پایت خوب شده باشد تا بتوانی به مدرسه بروی / ۱۱۸  
 به فهمیده نازنین نازناری و سمیه جان خوش سیما سلام / ۱۲۰  
 نمونه نامه ها

مقدمه

## گذری مختصر بر نامه سرگذشت و اقسام آن

نامه یا گفتگوی کتبی به اندازه‌ی تاریخ و اختراع خط قدمت دارد. در گذشته پرداختن به آن یک پیش‌نیاز و ضرورت محسوب می‌شد. امروزه با گذشت قرون متمادی هنوز می‌توان آن را به عنوان پشتوانه‌ی ادبی و فرهنگی و... ملت‌ها دانست.

نامه انواع مختلف داشته و با آداب، شیوه‌ها و روش‌های گوناگون به ویژه با اِتصاف به آرایه‌های ادبی در متن آن تحریر می‌شد. از این رو بیشتر بزرگان ادبی و هنری از این پدیده به عنوان فنی مبتنی بر هنر یاد می‌کنند.

بعضی از داستان‌نویسان حرفه‌ای با حفظ فضا و چهارچوب نامه اقدام به خلق داستان‌های متعددی نیز کرده‌اند که مانایی اثر به علت کاربرد مسجع کلمات و نوع نگاه نویسنده قابل اعتناست. مبتکر این شکل داستان «ریچاردسن» است که «پاملا» را در این قالب نوشت. نمونه‌های تازه‌تری از

این فرم نیز هست اما بیشتر رمانند و در میان آن‌ها به سختی می‌توان داستان کوتاه خوبی را یافت. (یونس ابراهیم - هنر داستان نویسی - ص ۷۱)

در این قالب، هنرمند با استفاده از دست‌مایه‌های تکنیکی، مضامین تازه و بدیعی را کشف کرده و تا امکان جولان قلم، بر گستره‌ی خیال پیشروی کرده است تا بار امانت را سلامت به سر منزل مقصود برساند.

ظرفیت و جان کلمات اساساً در این نوع منشآت، ایجاد زمینه‌ای می‌نماید تا نگارنده بتواند در بیان احساس و عواطف به موفقیت بیشتری دست یازد. بهره‌برداری از این امور هم به نویسنده در ابراز دل‌بستگی‌های عاشقانه و خلوت‌های عارفانه مدد می‌رساند و هم شیوایی و روشنی قلم را به سهولت ارتقا می‌بخشد.

این شیوه اگرچه در حافظه‌ی بعضی از مکاتب ادبی منسوخ شده است، اما هرگز از منزلت و جایگاه فصیح‌اش نکاسته و شائیتش را بدون کم و کاست به جامعه‌ی ادبی انتقال داده است.

با توجه به اهمیت موضوعی نامه‌ی بعضی از مکتوبات بسیار مختصر و موجز و برخی مفصل و گزارش‌گونه‌اند که موارد مشابه در دسترس وجود داشته و دارد و هر یک از انواع مزبور، کاربرد و شیوه‌ی نگارش مخصوص به خود را دنبال می‌کند.

اگر دقیق و جامع، اسناد به جا مانده از گذشته‌ی تاریخ ایران که تاریخ نگاران کهن از جمله: «یهقی»، رشیدالدین فضل‌الله، اعتماد السلطنه و بسیاری دیگر، نیز نقشی اساسی در آن داشته‌اند، مورد واکاری قرار بدهیم، به گونه‌های مختلفی از ثبت تاریخ به شیوه‌ی نامه‌نگاری پی خواهیم برد. در این جا برای نمونه به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم تا شرح دیگری بر مقصودمان از پرداختن به نامه و جزئیات مربوط به آن داشته باشیم:

اخوانیات، سطانیات و دیوانیات از جمله تقسیمات نامه‌ای بوده که تا

اواسط دوران قاجار رواج داشته که مصداق و نمونه‌های آن‌ها در اسناد تاریخی موجود است.

در اخوانیات به تعارفات و القابی غلو آمیز و لفاظی‌های متعددی بر خواهیم خورد که به وفور بر تارک نامه می‌درخشد.

در این سبک نگارش، مکاتبات عمدتاً میان افراد سرشناس و صاحب نفوذ دیوانی و دولتی صورت می‌پذیرفته که گاه در بخش اول نامه چنان به تعارفات اختصاص می‌یافته که از نظر کمی، مقدمه‌ی چندین برابر مطالب و مقصود نهایی نامه می‌شد.

محمد امین وفاری طبیبی یزدی به دوستی که در نظر ایشان بسی ارجمند بوده نوشته: «چه گردان شدت مفارقت و چه نوید از حدت مهاجرت آن دوست جان و آن مایه شادمانی، آن گرامی گوهر درج احسان و اشفاق و آن فروزان اختر برج وفا و وفاق، آن معدن جواهر زواهر عطوفت و مهرباتی و آن بحر دُرُّ غرر ادا فهمی و نکتہ دانی... حقا که دست تطاول هجران نه چنان گریبان جان این ناتوان گرفته که به بایمردی طاقت خلاص متصور شود و ...»

زدوریت همه روزم به آه و ناله گذشت

دو روز هجر تو بر من هزار ساله گذشت

توقع آن که به زودی هر چه تمام تر عنان عزیمت بدین صوب معطوف ساخته، از پا افتادگان بیابان هجران را به شرتی از سر چشمه رحمت که اشک آب حیات است، دستگیر نمایند.»

سطنائیات شامل: «نامه‌ها، فرمان‌ها، سفارش‌ها، دستورها، حکم‌ها و همه» اموری بود که از سوی پادشاهان صادر می‌شد و بسیاری از حقایق و مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور را منعکس می‌ساخت.

در آثار دیوانی، نامه با عناوین و مفاهیم متنوع و متعددی چون: «مشور،

فرمان، یادداشت، عهد، نشان، رقم، حکم، شجره و ...» تحریر می شده که به لحاظ اسنادی بودن آن بسیار حائز اهمیت است.

در این راستا تاکنون کتاب‌های متعددی به زیور طبع آراسته شده است که هر یک از آن‌ها به لحاظ سند بودن دارای اهمیت فراوان است که در این بخش به معرفی ۳ نمونه از آن اکتفا می‌کنیم: تازیانه سلوک (نامه‌های احمد غزالی به عین‌القضات همدانی)، مکاتیب عین‌القضاء همدانی، فضائل الانام محمد غزالی از جمله موارد پیش روست. البته ضرورت مقدمه در این کتاب اجاب می‌نماید تا بدون در نظر گرفتن حاشیه اندیشی و مصلحت‌بینی‌ها با توجه به مقصودی که در متن این مقدمه مبنی بر آشنایی تام با مقوله نامه و اهمیت آن در زندگی انسان دیروز و امروز داریم به اهتمام پیش برویم.

باید دانست که نامه‌ها، گذشته از ارزش تاریخی و فرهنگی، یکی از ابزارهای ارزشمند اطلاع‌رسانی یا به عبارت واضح‌تر به عنوان یک رسانه‌ی مهم در دنیای انسان دیروز مطرح بودند و این مهم انکارپذیر نیست. اگرچه این اهمیت امروزه به دلیل ورود، گسترش و پیشرفت عجاب‌انگیز علم ارتباطات و اختراع انواع رسانه‌های صوتی و تصویری از جمله رادیو، تلویزیون، تلفن، تلفن همراه، اینترنت و ... کم رنگ شده است، ولی در دهه‌های نه چندان دور بابت عدم حضور تکنولوژی در جریان اطلاع‌رسانی نامه‌ها به عنوان یکی از وسایل و ابزار مهم ارتباطی و البته ضروری و پر طرفدار در شرایط دوری انسان‌ها از یکدیگر و به دلایل مختلف اعم از مسافرت، مهاجرت، اسارت، جنگ و ... عمل می‌کردند که عمده‌ترین عملکرد آن‌ها اطلاع‌رسانی از اوضاع فردی و جمعی، انتشار اخبار و وقایع، آموزش و بیان عقاید، حراست از محیط و ایجاد همبستگی و انتقال میراث‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر بوده است، زیرا در آن برهه از زمان امکانات رسانه‌ای از گستردگی



و تعدد برخوردار نبوده و نحوه‌ی اطلاع‌رسانی متداول آن روزها نهایتاً در دهه‌های اخیر محدود می‌شد به تلفن و تلگراف که آن هم به صورتی کاملاً موردی وجود داشته است.

این مسئله خود نشان دهنده‌ی اهمیت نامه و فرهنگ و ادبیات مختص به آن در دهه‌های گذشته و تشدید نیاز مردم و اقبال آن‌ها از مقوله‌ی نامه می‌باشد، از این رو محتویات نامه برای تحلیل‌گران تاریخ بسیار بیشتر از سایر منابع به ریزه مکتوبات و قایع نگاران درخور اهمیت بوده است، زیرا در نامه‌ها و اهمیت‌های روزگار نمود بیشتری داشته است.

اهمیت نامه از ابعاد مختلف قابل بررسی است اما آن چه مطمح نظر پژوهش‌گران است علاوه بر سهولت اسنادی نامه از دو منظر می‌توان آن را ارزشمند و با اهمیت قلمداد کرد: «از منظر ادبیات و از منظر تاریخ» که جز موارد لاینفک نامه‌های سده‌های گذشته می‌باشد که سطور پیشین و اولیه این مقدمه به انواع، اقسام، نمونه‌ها و اهمیت آن‌ها اشاره کردیم.

تصورتی که امروز از ارسال و مراسلات نامه در ذهن‌ها وجود دارد مربوط به زمان صلح و ثبات جامعه است. مراسلات در زمان جنگ، روش‌ها و اقتضانات خاص خود را داشته و دارد.

در سال‌های آغازین جنگ ایران و عراق رزمندگان نامه‌های خود را روی ورقه‌های ساده می‌نگاشتند و در پاکت نامه‌هایی جای داده و ارسال می‌کردند. در آن دوره برای خرید تمبر هم لازم نبود به پست‌خانه‌ها مراجعه کنند، تمبر از مغازه‌های خوار و بار فروشی هم قابل تهیه بود.

رفته رفته با توزیع پاکت‌های جدید پست، دیگر نیازی به تهیه و لصاق تمبر نبود. در زمان جنگ جهت تسهیل ارسال نامه توسط رزمنده‌ها، از آنجایی که تهیه‌ی تمبر برای آن‌ها در منطقه جنگی میسر نبود، درج نام منطقه‌ی جنگی در حاشیه پاکت یا در کادر مربعی شکل روی پاکت،

کار تمبر را انجام می داد.

نامه ها با چسب ضعیف بسته می شد. این کار به این دلیل انجام می گرفت، که رزمندگان بر این باور بودند کسی از سر کنجکاوی های بی مورد نامی آن ها را قرائت نمی کند و این اعتماد کامل به سایر رزمندگان ناشی از فضای معنوی و دوستانه ای حاکم بر مناطق جنگی و جامعه بود.

صندوق های پستی تعبیه شده در مناطق جنگی عموماً صندوق های خالی مهماب بود که روی آن کلمه ای «پست» نوشته می شد.

رزمندگان نامه ها را داخل این صندوق ها انداخته و روزانه یا چند روز یکبار توسط واحد تعاون یا تبلیغات لشکرها، داخل گونی هایی تخلیه و ارسال می شدند.

همه ی نامه ها از طریق صندوق های پستی مستقر در جبهه ها ارسال نمی شدند. توزیع نامه چه در هنگام ارسال و چه در هنگام دریافت، اغلب تابع نظام خاصی نبود. گاه راننده ی خودرویی که از مازندران به بهانه انتقال کمک های مردمی به مناطق جنگی می رفت، هنگام بازگشت ده ها نامه حتی مربوط به شهرهای مختلف مازندران را با خودش می برد. از آن جایی که رساندن آن همه نامه به تک تک نشانی های شهرهای مختلف برای یک راننده امری دشوار بود، لذا نامه های هر شهر را به فردی معتمد می سپرد و او بنابر باورهای دینی، مسئولیت فردی و اجتماعی، در رساندن نامه ها به خانواده های رزمندگان کوتاهی نمی کرد. این دسته از نامه ها ممکن بود حاوی اطلاعات مهمی بوده و یا یک متن در حد احوال پرسی معمولی.

گاهی هم پدر شهید یا خانواده شهید برای سرکشی به جبهه یا بازدید از محل شهادت فرزندان شان به منطقه ی جنگی می آمدند و هنگام برگشت به شهر و دیار خود حامل ده ها فقره نامه بود. این گونه هنگام عملیات که مبادی رسمی از ارسال نامه خودداری می کردند، صدها فقره نامه از مبادی غیر

رسمی به خانواده‌ها ارسال می‌شد.

ارسال نامه‌ها از اردو گاه‌های اسارت نیز از شرایط ویژه‌ای برخوردار بود. در اردو گاه‌ها به دلیل رعایت و حفظ مسائل امنیتی، شرایط خاصی بر نگارش، ارسال و توزیع نامه‌های اسرا حاکم بود.

به عنوان نمونه بخشی از متن نامه‌ی یکی از اسرا را می‌خوانیم. همین چند خط نشان دهنده‌ی اوضاع حاکم بر نوشتن نامه است:

«... دلم برای تک تک شما تنگ شده است، اما دلم برای یکی دیگر خیلی تنگ شده است نمی‌دونی چقدر دلم برایش تنگ شده، اونم پدر بزرگ عزیزم حاج آقا موسوی است. یکی دیگر هم که سفارش می‌کنم برای شرکت در مراسم هفتگی دانشگاه...»

در عبارت فوق منظور اسیر از پدر بزرگ عزیز حاج آقا موسوی، حضرت امام<sup>(ره)</sup> و منظور از مراسم هفتگی دانشگاه، نماز جمعه بود. پاسخ امام<sup>(ره)</sup> به نامه‌ی فوق «به نام خدا»

فرزند عزیزم! نامه شما واصل شد، امید است ان‌شاء... به زودی خلاص شوی. ما برای شما نگران هستیم، لکن خدا بزرگ است. ان‌شاء الله موفق باشی. صبر کن که خدا با صابران است.»

دوره‌ی هشت ساله‌ی جنگ علاوه بر آن که با دوره‌های زمانی قبل و پس از خود متفاوت است، در درون خود نیز به دوره‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. این دوره‌ها بنابر شرایط خاص‌شان بر نامه‌نگاری نیز تأثیر بسزایی داشته است؛ زیرا دوران جنگ به نحو بارزی از مراحل قبل و بعد از جنگ متمایزند و بافت اجزا و عناصر ویژه خود را دارند. این تشخیص بیش از همه در زبان و قلم مباشران جنگ و راویان آن ظهور و بروز دارد. فرد رزمنده‌ای که پا به میدان جنگ می‌گذاشت، انگیزه‌های حضور،

افکار و اعتقادات، سطح سواد و معلومات، نگرش‌ها و دیدگاه‌ها همچنین وابستگی‌های قومی و مذهبی در نگارش نامه‌های او به صورت مستقیم و بی‌واسطه تأثیر گذار بوده است. در عین حال رزمنده نسبت به شرایط جنگ و گذشت زمان رفته رفته دچار تغییر در نگرش‌ها، افکار و اعتقادات می‌شده است. حاصل این تغییر بیش از هر چیز در نوشته‌های وی قابل مشاهده بود؛ زیرا تحولات درونی انسانی به صورت تدریجی یا تند صورت می‌گرفت. این تغییرات در دنیای پیچیده‌ی افکار، احساس‌ها و تحلیل‌های ذهنی‌اش اتفاق می‌افتاد. زیرا انسان‌ها در یک شبکه‌ی ارتباطی پیچیده عمل می‌کنند. رزمندگان با داشتن شبکه‌ای از ارتباطات مربوط به زندگی شخصی و اجتماعی پا به میدان نبرد می‌گذاشتند و بی‌آن که ارتباط خود را با محیط زندگی قطع کنند به گسترش از روابط جدید متصل می‌شدند. این پیوندهای عاطفی باعث بروز واکنش‌های عاطفی و اندیشه‌ای جدیدی در آن‌ها می‌شد، از این رو رفتارها و کنش‌های انسانی آن‌ها در آن شرایط به سادگی قابل تجزیه و تحلیل، شناخت و معرفی نیست. زن، فرزند، همسایه و رویدادهای معمول روزمره از یک سو و فرمانده، هم‌سنگر و حوادث ناشی از جنگ از سوی دیگر ذهن آن‌ها را پیچیده ساخته و واکنش‌های خودآگاه و ناخودآگاه تازه‌تری را به مجموعه‌ی رفتارهای گذشته آن‌ها اضافه می‌کرد. نامه که تراوشات ذهنی یک رزمنده بود از تأثیر پیچیدگی‌های شرایط بی‌بهره نبوده است. در این دسته از نامه‌ها که در شرایط سخت جنگی نوشته شده‌اند، هر اندازه خطوط ارتباطی ذهن نگارنده منظم‌تر و شفاف‌تر باشد، با مفاهیم و معانی ذهنی و متون نگارشی روان‌تر و به‌طور کلی با کلمات ساده‌تری مواجهیم.

مقصود ما از گردآوری نامه‌های جنگ در این کتاب نگاهی متفاوت به کنش‌های ناب انسانی بود که به شکل نامه ثبت و ماندگار شده‌اند به ویژه

احساس‌هایی که بیان آن‌ها در شرایط رو در رو و شفاهی برای افراد جامعه‌ی آن روز با اعتقادات و باورها که داشتند مقدور نبود، علی‌الخصوص مراتب ابراز عشق و عواطف به همسر. این نامه‌ها از اعتبار خاصی برخوردارند، از جمله به لحاظ اعتبار اسنادی آن‌ها.

نامه‌ها که در زمره‌ی اسناد مکتوب و بخشی از فرهنگ دوران جنگ محسوب می‌شوند، نمایان‌گر، ایدئولوژی و طرز تفکر رزمندگان طی هشت سال جنگ می‌باشد، ولی در نگاه کلی و با مطالعه‌ی نامه‌های جنگ می‌توان موضوعات و مفاهیم عمده را از متن نامه‌ها بیرون کشید.

زمانی که از نامه‌های جنگ سخن به میان می‌آید، شایسته نیست به دنبال یافتن اصول نامه‌نویسی و قوانین عادی ارسال و مراسلات بود. با تحلیل محتوا و تجزیه ساختار و بررسی‌های جامعه‌شناسانه و روانشناسانه می‌توان به شرایط حاکم بر نامه‌نگاری آن دوران دست یافت.

سرآغاز بیش از ۹۸ درصد نامه‌ها با آوردن آیه، حدیث، درود و سلام به اهل بیت<sup>(ع)</sup> بوده است، یعنی اگر رزمندگانی برای همسرش و هر کس دیگری نامه‌ای می‌نوشت مطلق آن را با آیات، روایات یا درود و سلام به پیشگاه امام زمان<sup>(عج)</sup> و امام خمینی و دیگر بزرگان دینی و سیاسی نظام آغاز می‌کرد.

برای نمونه نامه‌ای از شهید علی‌رضا بلباسی که برای همسرش نوشته است را می‌آوریم:

بسمه تعالی

همسر مهربانم مریم جان!

سلام و تحیات فراوان الهی به پیشگاه حضرت ولی عصر امام زمان<sup>(عج)</sup> و ارواح پاک تمامی شهدای اسلام علی‌الخصوص سرور و سالار شهیدان اسلام آقا و مولایمان حسین ابن علی<sup>(ع)</sup> و نایب برحقش امام امت

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و درود و سلام گرم و با محبت من نثار تو همسر  
مهربان که همچون رهروان حضرت زینب سلام الله علیها حاضر شدی  
تمام رنج و مشقت زندگی دنیایی را برای حفظ کیان، ناموس اسلام و آیین  
پاک محمدی<sup>(ص)</sup> تحمل کنی کما این که تا به حال تحمل کردی....  
بکته ۶۲/۱۱/۲۳

از دیگر وجوه مشترک نامه‌های رزمندگان، بیان حال خوب و ذکر  
بی ملالی در نامه بوده است، زیرا رزمندگان به دلیل دوری از محل سکونت  
و نگرانی اعضای خانواده از شرایط حضور در جبهه و میدین جنگ سعی  
می‌کردند با ذکر جملاتی مطابق یا مخالف با واقع، اطرافیان خود را از نگرانی  
در آورده و خاطر جمع کنند به همین دلیل در قریب به اتفاق نامه‌ها،  
رزمندگان شرایط خود را در جبهه بسیار خوش تر و امن تر از محل سکونت  
توصیف می‌کردند و بر سلامتی و خوشی خود هم تأکید فراوان، اما مطلب  
مهم در این بخش از نامه‌ها وجه مشترک انشایی آنهاست که تقریباً در  
تمام نامه‌ها با جملاتی شبیه به هم و یکپارخت نوشته می‌شده است.

برای نمونه‌ی بخش احوالپرسی آخرین نامه‌ی شهید «فرشید یخکش»  
را در این جا می‌آوریم:

«پس از تقدیم عرض سلام، سلامتی وجود گرامی شما را از درگاه ایزد  
منان خواهان و خواستارم. اگر احوالی از برادر حفیرت محمد خواسته باشید،  
الحمدلله خوب و سر حال هستم و هیچ گونه ناراحتی و کسالتی ندارم...»  
گزارش توفیق در عملیات‌ها، نوید پیروزی‌های آینده و باز شدن  
راه کربلا و زیارت حرم مطهر امام حسین<sup>(ع)</sup> و دیگر شهدای واقعه عاشورا،  
سومین بخش اکثر نامه‌ها را تشکیل می‌داد:

«... ضمناً به مامان بگویند: ناراحت نباشد، ان شاء... به همین زودی‌ها  
راه کربلا توسط رزمندگان باز می‌شود و شما شهدای کربلا را زیارت

می کنید. بنابراین وعده‌ی دیدار ما ان شاء... به همین زودی‌ها در کربلا...  
دیگر عرضی ندارم و در پایان به امید آن روزی که پرچم سبز لاله‌الانالله بر  
کره‌ی زمین برافراشته شود. والسلام ۶۱/۹/۵» (نمونه‌ی نامه‌ای از سردار شهید یوسف  
سجودی به خانواده‌اش)

ارسال سلام در پایان نامه‌ها یکی دیگر از شیوه‌های مشترک نامه‌نگاری  
رزمندگان بود که تقریباً در تمام نامه‌ها با آن مواجه هستیم. سلام رساندن به  
اطرافیان، اقوام، دوستان، همسایگان و آشنایان، با ذکر نام هر یک از آن‌ها  
از ویژگی‌های نامه‌نگاری هشت سال دفاع مقدس بوده است.

«... من همیشه به داشتن چنین همسری افتخار می‌کنم و خوشحال هستم.  
باید تا می‌توانی به اسلام و انقلاب خدمت کنی، خصوصاً در تربیت فرزند  
کوشا باشی. سلام مرا به مصطفی و سلمان برسان و به آن‌ها بگو مادرشان را  
زیاد اذیت نکنند. به پدر و مادر و خواهران و برادران خودت سلام مرا  
برسان و به تمام فامیل‌ها و بستگان و دوستان سلام برسان و سلام گرم و  
صمیمانه‌ی مرا به پدر و مادر بسیار عزیزم برسان و به آن‌ها بگویند که  
خوشحال باشند چنین فرزندی را تحویل جامعه دادند و به برادران و  
خواهران، همه و همه، عبدا... با خانواده و غلامی با خانواده، خورشید  
با خانواده، داود با خانواده، و جواد با خانواده و دیگر بستگان که اسم نبرده‌ام  
سلام مرا برسان.» (یکی از نامه‌های شهید موسی محسنی به همسرش)

شناخت همه جانبه‌ی شرایط جنگ و رزمندگان، اهداف واقعی مولف  
را در این کتاب رقم نخواهد زد، زیرا این مهم نگاهی دیگر گونه‌ی طلبد تا  
جوینده را به شناخت و جوه مغفول مانده‌ی شخصیت شهدا هدایت کند.

لازم به یادآوری است که آوردن نقطه چین‌ها (...)) در متن نامه‌های  
این کتاب، به این دلیل است که از آوردن چندین باره جملات تکراری و  
مشترکی که در سطور پیشین به آن‌ها اشاره شد جلوگیری به عمل آید تا

برای خوانندگان، خواندن نامه‌ها ملال‌آور نباشد.

دومین نکته که باید به آن اشاره شود این است که تا آن‌جا که امکان داشت، مؤلف، رعایت امانت در آوردن اصل متن نامه را حفظ کرده و تنها جهت تسهیل در خواندن نامه‌ها مبادرت به ویرایش ابتدایی آن‌ها کرده است.

لازم به یادآوری است که این کتاب در چهار فصل مجزا شامل: «مقدمه»، نامه‌ها، نامه به کودکان و نمونه نامه‌ها» تنظیم شده است. همچنین در فصل نامه به کودکان مقدمه‌ای مجزایی که سخنی مختصر با کودکان در خصوص اهمیت نامه و توضیحی در مورد نامه‌ی شهدا به کودکان‌شان می‌باشد، نوشته شده است.

اصل و اساس ایده‌ی چاپ کتاب «همه‌ی حرف‌ها را نمی‌توان نوشت» با هدف رفع این ابهام بوده که رزمندگان در شرایط جنگی از علقه و علاقه‌های عاطفی به دور بودند. حال آن‌که این کتاب و مجموعه‌ی نامه‌های پیش رو به روشنی مؤید این هم است که آن عزیزان سرشار از مهر و عطف بوده‌اند و در شرایط بحرانی جنگ از هنر ابراز علاقه و احساس خود دست نکشیده‌اند.

همان‌طور که بیان شد، بنا بر این بود تا در کتاب حاضر به سفارش ناشر فقط نامه‌های سرداران شهید به همسران‌شان که از منظر عاطفی قابل اعتنا بوده، جمع‌آوری شود، اما پس از تحقیق و مطالعه در پرونده‌های شهدا، به نمونه نامه‌هایی برخوردیم که گویای واقعیت اجتماعی زمان خود بوده است، از این رو تصمیم تازه‌تری گرفتیم تا علاوه بر نامه‌های مورد نظر ناشر، این دسته از نامه‌ها را به مجموعه‌ی پیش رو بگنجانیم تا اثر از تنوع بیشتری برخوردار شود. در این کتاب تنها به نامه‌های رزمندگان به خانواده‌هاشان اکتفا نشده و به نامه‌هایی که از سوی خانواده‌ها به عزیزان رزمنده‌شان که



اینک در جوار رحمت الهی آساییده‌اند نیز توجه شده است.  
نگارنده در نوشتن مقدمه از مطالب مندرج در سایت [www.bsrc.ir](http://www.bsrc.ir) به  
قلم «سید محمد میر کاظمی» بهره برده است.

جمع آوری نامه‌های شهدا، تحلیل و بازشناسی دقیق آن‌ها همچون بذری  
بود که پس از هم‌اندیشی‌های کارشناسانه‌ی دوستان فرهیخته‌ام در وجود  
نگارنده جوانه زده و پس از مطالعه و مذاقه در کتاب و مقالات مختلف،  
همچنین بررسی سیصد پرونده از اسناد و پرونده‌های مربوط به شهدای  
مازندران به بار نهشته است.

در پایان از تلاش بی‌وقفه و مستمر همسر و دخترم که در به گزینی،  
تفکیک، دسته‌بندی و ایپ و حروف چینی نامه‌ها طی فصل‌های بهار و  
تابستان همراه و همدل من بوده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

در پایان از جناب سرهنگ عباس علی اکبرزاده، سرهنگ اسماعیل  
باقری و افسر وظیفه رحمان اسماعیلی در معاونت جمع‌آوری و پژوهش  
ستاد کنگره بزرگداشت سرداران، امیران و ده هزار شهید استان مازندران  
که در تحویل پرونده‌ها همکاری شایسته‌ای را با اینجانب داشته‌اند، نیز  
سپاسگذاری به عمل می‌آورم.

کیومرث باغستانی (کیا)  
آبان ۱۳۸۹